

مطالعه کیفی مقایسه سیستم بورس اعزام به خارج دانشجویان دکترا در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته

دکتر علی اکبر حقدوست*

پزشک و دکترای اپیدمیولوژی و آمار حیاتی، استادیار گروه پزشکی اجتماعی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کرمان

زمینه: اعزام دانشجویان به خارج به صورت برنامه‌ریزی شده، به خصوص برای تحصیل در مقطع دکترا، یکی از موضوعات بسیار مهمی است که در توسعه علمی کشورها نقش به‌سزایی داشته و بیش از دو قرن سابقه دارد. با این وجود و با توجه به تحولات بسیار سریع و عمیق مبانی توسعه علمی در چند دهه اخیر، نگاه به این مقوله به خصوص در کشورهای توسعه‌یافته تحول یافته است.

هدف: در این مطالعه سعی شده است تا تفاوت‌های موجود در سیستم‌های بورس اعزام به خارج تعدادی از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه با یکدیگر مقایسه شود و به صورت مستند راهکارهایی برای ارتقای سیستم بورسیه اعزام به خارج کشور ارائه گردد. سؤالات اصلی این تحقیق در خصوص هدف اعزام دانشجویان به خارج، طول مدت بورس، نحوه گزینش و مکانیسم‌های موجود برای ترغیب دانشجویان به بازگشت به کشورهاشان بعد از فارغ‌التحصیلی بود.

روش کار: این مطالعه کیفی بوده و اطلاعات با بررسی منابع مکتوب، جستجوی سایت‌های اینترنتی و مصاحبه نیمه‌ساختار یافته با دانشجویان بورسیه دکترا از کشورهای مختلف (۴۰ دانشجو از ۱۶ کشور جهان) جمع‌آوری شد. اطلاعات به دست آمده، بعد از چندین مرتبه بازخوانی و رفع ابهام، دسته‌بندی و نتایج نگاشته شد.

یافته‌ها: از جمله مهم‌ترین یافته‌های تحقیق این است که عموماً در کشورهای در حال توسعه، هدف از اعزام، تربیت نیروی متخصص و کسب مدرک است در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته هدف‌های دیگری نیز دنبال می‌شود که مهم‌ترین آنها آشنا شدن با سایر فرهنگ‌ها و سبک‌های علمی و همچنین تحقیق برای یافتن نتایج ارزشمند در پاسخ به نیازهای موجود در طول تحصیل می‌باشد. از جمله تفاوت‌های مهم دیگر آن بود که در کشورهای توسعه‌یافته، اعزام دانشجویان به خارج و بورس نمودن دانشجویان فرآیندی مشارکتی بوده و معمولاً چند کشور و یا سازمان مشترکاً هزینه‌های تحصیل و تحقیق دانشجویان را می‌پردازند، ولی در کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران، این گونه مشارکت‌ها کمتر دیده می‌شود.

نتیجه‌گیری: با توجه به نقاط قوت سیستم بورسیه و اعزام به خارج دانشجویان در کشورهای توسعه‌یافته، به نظر می‌رسد که برای حل مشکلات موجود در سیستم اعزام، بایستی اهداف آن تغییر یابد و با متحول نمودن سیستم، در شیوه گزینش دانشجویان مستعد، کاهش فرار مغزها و همچنین فعال نمودن بخش خصوصی در آموزش عالی برنامه‌ریزی صورت گیرد.

کلیدواژه‌ها: دانشجویان دکترا، تحصیلات تکمیلی، اعزام دانشجویان، فرار مغزها، توسعه

* نویسنده مسئول: کرمان، بلوار جمهوری اسلامی، معاونت آموزشی دانشگاه علوم پزشکی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

مقدمه

اعزام دانشجویان به خارج برای کسب علم اگرچه سابقه بسیار طولانی دارد و نمونه‌هایی از آن را در دوران روم باستان نیز می‌توان دید، ولی به شکل برنامه‌ریزی شده و مدون در یکی دو قرن گذشته سامان یافته است. در حال حاضر اهتمام به اعزام دانشجویان به خارج، در کشورهای توسعه‌یافته حتی بیش از کشورهای در حال توسعه است و بیشترین تعداد دانشجویان اعزام‌کننده را کشور آمریکا دارد. این در حالی است که همزمان بیشترین دانشجویان خارجی نیز در ایالات متحده مشغول به تحصیل هستند (۱-۳). به همین دلیل تقریباً در تمام دنیا به امر اعزام دانشجویان به خارج به عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر نگاه می‌شود و سعی می‌گردد تا حداکثر استفاده از هزینه صرفه شده به عمل آید (۴).

«اولین کاروان معرفت» که متشکل از پنج دانشجوی ایرانی در رشته‌های مختلف علوم انسانی، مهندسی و پزشکی بود در ۱۸۱۴ وارد لندن شد. بعد از آن در نیمه قرن نوزدهم، با تأسیس دارالفنون توسط میرزا تقی خان امیرکبیر و دعوت از معلمان خارجی، ترجمه متون علمی خارجی و اعزام محصلین ایرانی به خارج، روند روابط دانشگاهی و علمی ایران وارد مرحله گسترده‌تری شد. سومین مرحله اساسی بسط روابط دانشگاهی ایران و خارج به دوره رضا شاه و تأسیس دانشگاه تهران در ۱۳۱۳ باز می‌گردد. این روند تا ظهور انقلاب اسلامی ادامه یافت. بعد از انقلاب، به دلیل تثبیت نظام، مدتی سیاست اعزام متوقف شد، اما بعد از آن، با توسعه دانشگاه و علوم و رشد نیازهای علمی و تحقیقاتی کشور، سیاست اعزام مجدداً از سر گرفته شد. بنا بر آمارهای رسمی موجود، از

سال ۱۳۷۲ به بعد همواره شاهد روند صعود منحنی اعزام دانشجویان بوده‌ایم، هرچند در سال‌های بعد به دلیل توسعه تحصیلات تکمیلی در داخل و تغییر سیاست‌های اعزام شاهد روند نزولی بوده‌ایم (۱).

با توجه به روندهای تاریخی توسعه دانشگاه و علم در ایران که همواره در بستری جهانی حرکت کرده و رشد یافته است و از سویی با توجه به فرآیندهای رو به رشد «جهانی شدن» و تأثیر اجتناب‌ناپذیر آن بر علوم و رشد و توسعه علم و دانشگاه در وضع کنونی (۲-۳)، می‌توان گفت در آینده نیز ما همچنان به بسط روابط بین‌المللی دانشگاهی و استمرار سیاست اعزام و مبادله دانشجویان به منزله یکی از روش‌ها و ابزارهای بین‌المللی کردن علوم و توسعه علمی کشور نیازمند هستیم (۵).

با توجه به ضرورت بیان شده، بایست در خصوص اعزام دانشجویان به خارج دقت و حساسیت بیشتری در سیستم برنامه‌ریزی کشور وجود داشته‌باشد تا با توجه به هزینه‌های انجام شده، حداکثر بازده به دست آید. در این تحقیق سعی می‌شود تا با نگاهی کلی به سیستم‌های اعزام دانشجویان به خارج در سایر کشورهای جهان به نقاط قوت و ضعف آنها اشاره شود. لازم به ذکر است که اصولاً روش کار و شیوه اعزام به خارج دانشجویان در کشورهای مختلف در عمل کاملاً منطبق بر مستندات و مدارک مکتوب آنها نیست و چه بسا بین شیوه مندرج در منابع و واقعیت‌ها، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای وجود داشته‌باشد؛ به همین دلیل در این تحقیق سعی شده تا اطلاعات مستقیماً از دانشجویان کشورهای مختلف جمع‌آوری شود تا اطلاعات به دست آمده حداکثر انطباق را با واقعیت‌ها داشته‌باشد.

روش کار

در این مطالعه کیفی (qualitative study) با توجه به ماهیت آن عمده اطلاعات از طریق مصاحبه‌های شفاهی نیمه ساختار یافته (semi structured) با دانشجویان غیر ایرانی مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های بریتانیا جمع‌آوری شد.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات، فرم پژوهشگرساخته‌ای با سؤالات باز بود که اعتبار محتوای آن توسط ۵ نفر کارشناس بررسی شده و ضریب اعتبار آن ۰/۸۶ به دست آمد. سؤالات اصلی این فرم در خصوص شیوه گرفتن بورس، نحوه اعزام، مدت بورس و شرایط تمدید آن و نحوه ارزشیابی مدرک در پایان تحصیل بود. همچنین سؤال باز دیگری نیز در انتهای فرم گنجانده شده بود که مصاحبه‌کننده بایست اطلاعات ارزشمند متفرقه مطرح شده را در آن یادداشت می‌کرد.

بر اساس پیش مطالعه انجام شده بر روی ۶ دانشجو (۲ دانشجوی ایرانی و ۴ دانشجوی غیر ایرانی)، مدت متوسط هر مصاحبه حدود ۲۵ دقیقه (با انحراف معیار ۷ دقیقه) به دست آمد. همچنین به دلیل نداشتن حصارهای مشخص (barriers) در محتوای سؤالات، همکاری دانشجویان در طول مصاحبه قابل قبول بود.

مصاحبه‌کنندگان، شش نفر از دانشجویان ایرانی و غیرایرانی در پنج دانشگاه اصلی بریتانیا در شهرهای لندن، منچستر، گلاسکو، لیدز و بیرمینگهام بودند. بعد از توجیه نمودن آنها در خصوص اهداف طرح، از آنها خواسته شد تا طی مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته، اطلاعات مذکور را جمع‌آوری نمایند. همچنین برای آشنا نمودن آنها به شیوه مصاحبه، ابتدا این افراد خود مورد مصاحبه قرار می‌گرفتند.

روش نمونه‌گیری، غیرتصادفی (haphazard) بود. بدین مفهوم که مصاحبه‌کنندگان بایست از بین دانشجویان مقطع دکترا از کشورها و سیستم‌های مختلف بورسیه در سطح دنیا، افرادی را که مایل به همکاری بودند، انتخاب و با آنها مصاحبه می‌کردند. به همراه اطلاعات به دست آمده از مصاحبه‌های ذکر شده، سعی گردید از منابع موجود در اینترنت و همچنین کتابچه‌ها و گزارشات قابل دسترس به زبان انگلیسی نیز استفاده شود. برای دسترسی بهتر و آسان‌تر به منابع مذکور از دانشجویان مصاحبه شده نیز کمک گرفته شده و خواسته شد تا آدرس اینترنتی و یا کتابچه‌های راهنمایی بورس خود را نیز در اختیار مصاحبه‌کنندگان قرار دهند. اطلاعات ثبت شده در فرم‌ها، ابتدا توسط محقق، بازخوانی شده و موارد مبهم با مصاحبه‌کننده در میان گذاشته شد و بعد از رفع ابهام، سعی شد پاسخ‌سؤالات در فرم‌های مخصوص خلاصه شوند.

در مواردی که پاسخ داده شده از سوی افرادی که از یک کشور و یا یک سیستم، بورس دریافت نموده بودند متفاوت بوده و یا پاسخ‌های آنها با اطلاعات مندرج در کتابچه‌ها و یا وب‌سایت‌ها همسان نبود، با افراد مصاحبه شده مجدد تماس گرفته شد و موارد مذکور مطرح و بر اساس نتایج حاصل، به نقاط متناقض پاسخ داده شد.

یافته‌ها

در این مطالعه نتایج ۴۰ مصاحبه حضوری با دانشجویان بورسیه در مقطع دکترا از ۱۶ کشور جهان و همچنین بررسی ۸ کتابچه راهنما و ۱۴ وب‌سایت به دست آمده است. نحوه استقبال دانشجویان برای پاسخگویی

بسیار خوب بود و اطلاعات به دست آمده به اعتقاد همه مصاحبه کنندگان قابل اعتماد می باشد.

در مجموع اطلاعات هفت کشور توسعه یافته (ایالات متحده، انگلستان، فرانسه، آلمان، ژاپن و دانمارک) طی ۱۲ مصاحبه (با ۹ دانشجو) و مطالعه ۶ کتابچه و ۱۰ وبسایت به دست آمد. در مقابل با دانشجویان ۹ کشور در حال توسعه (اردن، تایلند، زیمبابوه، سوریه، عربستان سعودی، لیبی، مصر، مالزی و هندوستان) مصاحبه شد و ۲ کتابچه و ۴ وبسایت بررسی شد. به جهت روان تر شدن مطلب، در ادامه اطلاعات کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه جداگانه بیان می شود.

کشورهای توسعه یافته

سیستم بورس و اعزام دانشجو به کشورهای دیگر امری بسیار رایج بوده و هدف آن تنها کسب اطلاعات جدید علمی نیست؛ بلکه این شیوه برای تقویت ارتباطات بین دانشگاهی، تقویت ارتباطات فرهنگی علمی و آشنا نمودن محققین با سبک های علمی متفاوت و همچنین استفاده از نیروهای علمی و جوان برای پاسخگویی به سؤالات جاری سیستم ها به کار گرفته می شود (۵-۳).

نکته بسیار ارزشمند در این مصاحبه ها شیوه مشارکتی چند سازمان در تأمین هزینه های تحصیل و زندگی دانشجویان بود. یکی از دانشجویان از آمریکا بیان کرد که کشورش وی را به شدت ترغیب نموده که قسمتی از کار را در انگلستان انجام دهد و حتی امتیازات مادی بیشتری را در طول اقامت وی در لندن در نظر گرفته است. بر اساس این کارکردها است که در حال حاضر کشورهای پیشرفته از جمله آمریکا، بیشترین دانشجوی بورسیه خارجی را می پذیرد و در مقابل بیشترین دانشجو را به

سایر کشورها اعزام می کند (۳). در یک نمونه مشخص دیگر، دانشجویی از مصر توانسته بود که هزینه اقامت خود را در انگلستان از سازمان جهانی بهداشت، شهریه دانشگاه را از بانک جهانی و هزینه تحقیق خود را از یکی از خیریه های فعال انگلیسی در آفریقا دریافت نماید.

به لحاظ شکل و ساختار اقتصادی و دانشگاهی کشورهای توسعه یافته، دولت ها نقش حمایتی و مؤسسات خصوصی، سازمان های غیر دولتی و خیریه ها نقش اجرایی را به عهده دارند. به عنوان مثال دولت ها با کاستن از مالیات شرکت های خصوصی آنها را ترغیب به تأمین هزینه های تحصیل دانشجویان در مقاطع بالا می نمایند (۶). تقریباً دو سوم دانشجویان بورسیه از کشورهای توسعه یافته توسط سازمان ها و یا نهادهای غیردولتی حمایت می شدند. نکته جالب آن بود که شرط ملیت به عنوان یک امتیاز تنها در تعداد محدودی از موارد ملاک بود و در آن موارد نیز ملیت به عنوان امتیاز محسوب می شد نه معیار اصلی گزینش، به همین دلیل تعداد قابل ملاحظه ای از دانشجویان بورسیه این کشورها متعلق به سایر کشورها بودند. در این بین یک دانشجوی ایرانی از طرف یکی از مؤسسات انگلستان موفق به دریافت بورس شده بود. وی در رشته مخابرات تحصیل می نمود و مدرک کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه صنعتی شریف تهران دریافت نموده بود و به راحتی و طی ۶ ماه توانسته بود برای ادامه تحقیق مقطع کارشناسی ارشد خود، بورس دکترا بگیرد. بخشی از هزینه تحصیل این جوان ایرانی را مؤسسه Welcome Trust و قسمتی را یکی از شرکت های خصوصی تولید کننده تلفن همراه تقبل نموده بود.

اکثر دانشجویان (۴ دانشجو از ۹ دانشجوی مصاحبه شده) از طریق آگهی و یا اینترنت از بورس مذکور مطلع

شده بودند و با تکمیل کردن فرم‌ها و ارسال CV خود تقاضای بورس مربوطه را نموده و پس از مصاحبه، پذیرفته شده بودند. البته چهار مورد از پنج مورد باقی‌مانده در مقطع کارشناسی ارشد موضوعی را شروع نموده بودند که به دلیل علاقه دانشگاه و شرکت‌های خصوصی، بلافاصله بعد از مقطع کارشناسی ارشد، مقطع دکترا را آغاز نموده بودند. نفر آخر نیز کارمند یک شرکت خصوصی بود که موفق به کسب بورسیه از خود آن شرکت شده بود.

بر اساس توضیحات داده شده، عملاً اکثر دانشجویان (به جز ۲ مورد) هیچ تعهدی به سازمان‌ها و یا کشورهای بورس دهنده بعد از دانش‌آموختگی نداشتند؛ بدین مفهوم که دانشجوی دکترا در طول تحصیل، برای سازمان و یا کشور بورس‌دهنده کار کرده و نتایج و یافته‌های تحقیق وی در مقابل پولی بود که به وی برای پژوهش داده شده بود. شیوه کار نیز بسیار روشن بود. در تعدادی از موارد، سازمان‌ها با آگهی نمودن موضوعات مورد علاقه خود، از افراد واجد شرایط برای مصاحبه و دریافت بورس دعوت می‌نمودند. در واقع، آن سازمان‌ها و شرکت‌ها بنا به رسالت و یا منافع خود، اولویت‌های خود را به عنوان میدانی برای رقابت علاقه‌مند در آورده بودند. در مواردی دیگر نیز، دانشجویان بنا به علاقه خود موضوعاتی را دنبال می‌نمودند و برای ادامه تحصیل و تحقیق با مؤسسات و یا شرکت‌های مرتبط تماس و با ارایه کالای علمی خود رضایت آنها را جلب نموده بودند. البته حالت سومی هم بود که در آن یکی از اساتید صاحب نام ژنتیک در شهر شفیلد با دریافت یک بودجه تحقیقاتی بسیار زیاد بیش از ۱۴ دانشجو را از سراسر جهان جذب نموده بود و با توجه به اهداف تحقیقاتی خود از این دانشجویان

کمک می‌گرفت. البته مجدد تأکید می‌شود که این حمایت‌ها عمدتاً مشارکتی بود. به عنوان مثال مؤسسات خیریه با حمایت از دانشجویان آنها را ترغیب می‌نمودند تا بر روی مشکلات مردم به خصوص در کشورهای آفریقایی کار نمایند ولی از آنجایی که خود از نظر علمی صلاحیت کافی را نداشتند، معمولاً با مؤسسات علمی و دانشگاهی در انتخاب دانشجویان مناسب همکاری می‌نمودند.

مدت بورس این سیستم‌ها عمدتاً ۳ سال است ولی بر اساس پیشرفت کار تا یک سال قابل تمدید می‌باشند. البته در موارد خاصی از جمله به دلیل نوع مطالعه و تحقیق، در مورد دانشجویانی که می‌بایست گروهی از بیماران را حداقل ۳ سال تحت نظر قرار می‌دادند، مدت بورس از ابتدا، ۵ سال در نظر گرفته شده بود. شرایط بورس نیز بسیار روشن بوده و دانشجو در قبال کمک دریافتی موظف به پاسخگویی است. همچنین اساتید راهنما نیز موظف هستند در صورت مشاهده کم‌کاری دانشجو موارد را سریعاً به سازمان و یا کشور بورس دهنده گزارش نمایند. نکته مهم دیگر آن بود که داشتن توانایی‌های لازم از جمله مهارت و تسلط بر زبان انگلیسی از پیش شرط‌های بورس بود و سازمان‌ها و کشورهای حمایت‌کننده هیچ تعهدی برای کمک به تقویت چنین توانایی‌های نداشتند.

کشورهای در حال توسعه

سیستم‌های بورسیه این کشورها همان‌گونه که انتظار می‌رفت دارای انسجام کافی نبود و در بسیاری موارد تفاوت‌های بسیار بارزی بین مندرجات کتابچه‌ها و

انجام مصاحبه، گزینش می‌شوند. در سیستم‌های خصوصی و خیریه تنها از طریق مصاحبه با متقاضیان، بورس داده می‌شود. ضوابط در خواستی برای پذیرش بورس دوره دکترا معدل کارشناسی ارشد، نیازمندی در رشته مورد نظر و تجربه کاری است. اما در شرایط مساوی نوع ارتباط مؤثر خواهد بود.

در زیمباوه، اغلب دانشجویان اعزامی دولتی هستند و از کانال وزارت علوم کشور اعزام می‌شوند (۸). نحوه اعزام دانشجو برای متقاضیان دولتی از طریق گروه، دانشکده یا بخش مربوطه می‌باشد؛ فرد باید واجد شرایط لازم از قبیل معدل بالا در کارشناسی ارشد باشد که پس از مصاحبه حضوری از طریق سپردن وثیقه مالی اعزام صورت می‌گیرد. دانشگاه‌های کشور همچنین مجاز هستند کارمندان ارشد خود را برای ادامه تحصیل به خارج اعزام نمایند

در کشور سوریه سیستم بورس دولتی است و توسط وزارتخانه‌های متعدد از قبیل وزارت آموزش عالی، وزارت دفاع، وزارت اقتصاد،... دانشجو اعزام می‌شود. برای مثال فرد بورسیه وابسته به دانشگاه از طریق گروه آموزشی، دانشکده و سپس رئیس دانشگاه اعزام می‌شود. دیگر وزارتخانه‌ها، قوانین مربوط به خود را دارند که اهم شرایط لازم برای متقاضی بورس داشتن بالاترین معدل در آخرین مقطع تحصیلی، شرکت در آزمون زبان و احراز نمره مورد قبول ویا داشتن گواهینامه زبان انگلیسی می‌باشد. برای آن دسته از متقاضیان بورس که استخدام هیچ وزارتخانه ای نیستند امکان امتحان اعزام به خارج وجود ندارد.

در سایر کشورهای مورد مطالعه، سیستم بورس، بسته و شبیه به ایران بود و در واقع وارزت آموزش عالی متولی

واقعیت‌ها وجود داشت. به جهت روانی متن، اطلاعات این کشورها تحت سه عنوان شیوه گزینش، نحوه مدیریت حین تحصیل و دوران پس از تحصیل آورده خواهد شد.

شیوه گزینش: در بسیاری از این کشورها، سیستم بورس به صورت تقریباً دولتی بود و عملاً به جز در کشور هندوستان، در بقیه کشورها، بورس دهنده، دولت و یا وزارتخانه‌های دولتی بودند.

در کشورهایی چون اردن (۷)، زیمباوه (۸)، سوریه و هند سیستم بورس، باز (open) بود به این معنی که سازمان‌های متعدد دولتی (و غیر دولتی در هند) به صورت جداگانه دانشجویان خود را بورس می‌نمودند و حتی قوانین حاکم بر آنها از جمله میزان دریافتی ماهانه آنها متفاوت بود.

در کشور اردن، بخش نظامی سالانه تعداد قابل توجهی دانشجو را بورس می‌نماید. البته این دانشجویان بایست قبل از اعزام در بخش نظامی شاغل باشند. اعزام دانشجویان غیر نظامی در اردن نیز هر دو سال یک بار و از طریق آگهی و فقط برای کارمندان دولتی صورت می‌پذیرد.

در هندوستان سازمان‌های زیادی در این زمینه فعالیت می‌نمایند و حتی در بین ایالت‌ها نیز تفاوت‌های زیادی وجود دارد. در این کشور سیستم‌های ایالتی، دانشگاهی، خصوصی، خیریه‌ای (Charity)، شرکت‌ها و سیستم‌های مذهبی هر کدام شرایط خاصی را برای اعزام دانشجو به خارج دارند. بر اساس تخمین‌های موجود، ۴۰٪-۳۰٪ دانشجویان هندی توسط سازمان‌های غیردولتی برای ادامه تحصیل به خارج اعزام می‌شوند. روند اخذ بورس در سیستم‌های ایالتی و دانشگاهی (حکومتی) برای افراد استخدامی از طریق گروه، دانشکده و سپس شورای بورس می‌باشد. افراد غیر استخدام از طریق آگهی در روزنامه‌ها و

اصلی اعزام بود. در تایلند، دانشجویان بورسیه، عمدتاً از بین کادر علمی دانشگاه‌ها و یا کارمندان بلند پایه انتخاب می‌شوند؛ البته گروه محدودی از دانشجویان ممتاز در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد نیز حق استفاده از بورس را دارند.

سیستم بورسیه در کشور عربستان سعودی از طریق وزارت آموزش عالی کشور انجام می‌گیرد. چنانچه افرادی از ارگان‌ها یا مؤسسه‌ها یا وزارتخانه‌ها و یا حتی به صورت فردی، متقاضی ادامه تحصیل در خارج از کشور باشند باید روند اجرایی آن از طریق وزارت مذکور طی شود (۹). متقاضیانی با مدرک کارشناسی ارشد که در استخدام هیچ وزارتخانه و دستگاه دولتی نیستند نیز می‌توانند از طریق شرکت در آزمون سراسری سالانه با دارا بودن شرایط و ضوابط انتخاب شوند. فرد بورسیه پس از اتمام دوره تحصیل در محلی که به او نیاز باشد باید مشغول کار شود.

در لیبی نیز سیستم بورسیه به صورت بسته و تنها از طریق وزارت آموزش عالی کشور میسر می‌باشد و روند اجرایی آن از طریق دانشکده، دانشگاه و وزارتخانه صورت می‌گیرد و فرد متقاضی بورس باید مدرس دانشگاه باشد. ضمناً وزارت نفت هم قادر به اعزام دانشجوی می‌باشد که باید از طریق وزارت آموزش عالی اقدام نماید و فرد بورسیه باید شرایط لازم شامل مدرک کارشناسی ارشد، و اعلام نیاز از سوی گروه یا دانشکده را دارا باشد. در مصر سیستم بورس توسط وزارت آموزش عالی کشور اداره می‌شود. شرایط لازم برای فرد بورسیه، داشتن مدرک کارشناسی ارشد با نمره بالا و نمره آزمون زبان مورد درخواست دانشگاه محل تحصیل بوده و فرد بورسیه پس از اتمام دوره تحصیل می‌تواند در هر یک از

دانشکده‌های مربوط به رشته و گروه مربوطه به خود کار کند. دانشجوی بورسیه در کشور مصر باید در امتحان IELTS شرکت نموده و موفق به اخذ نمره بالای ۶ گردد، لذا وی اجازه گذراندن دوره زبان در کشور محل تحصیل را ندارد.

سیستم بورسیه در کشور مالزی بسته است. بر اساس نیازهای دانشکده مربوطه فرد بورسیه انتخاب و جهت ادامه تحصیل در مقطع دکترا اعزام می‌شود. یکی از شرایط اخذ بورسیه تسلط به زبان انگلیسی است. دانشجویان بورسیه اجازه شرکت در کلاس‌های زبان قبل از شروع دوره را ندارند زیرا یکی از شرایط احراز بورسیه تسلط کافی به زبان انگلیسی است.

نحوه مدیریت حین تحصیل: بسیاری از کشورهای مورد بررسی (به جز هندوستان، مصر و مالزی) به دانشجویان خود اجازه می‌دهند تا در یک دوره چند ماهه و حداکثر یک ساله زبان انگلیسی شرکت نمایند تا قبل از شروع تحصیل، زبان خود را تقویت نمایند.

مدت بورس نیز متفاوت بود. البته در اکثر موارد این مدت ۳ سال بود که با توجه به شرایط خاص قابل تمدید بود. ولی شرایط تمدید بورس متفاوت و نسبتاً مبهم و زمان‌بر بود که از این نظر شباهت بسیار یادی به سیستم کشور ایران داشت. در این بین موضوع روابط نیز نقش زیادی ایفا می‌نمود.

در بین کشورهای مورد مطالعه، منظم‌ترین سیستم را کشور مالزی داشت. دانشجویان این کشور تقریباً از همان ابتدا وضعیت کاری خود را می‌دانستند و روند بروکراسی بر اساس اظهارات دانشجوی این کشور بسیار روان بود.

دوران سپس از تحصیل: مکانیسم‌های این کشورها برای ترغیب دانشجویان به بازگشت به کشورشان

می‌شود که این خود عامل مهمی برای ترغیب دانشجویان به بازگشت بعد از اتمام تحصیل است.

ولی به هر شکل در تمامی این مصاحبه‌ها به خوبی مشهود بود که عدم بازگشت تحصیل کرده‌های این کشورها به میهن‌شان، یکی از دغدغه‌های خاطر کشورها است و با وجود تدابیر و ترفندهای متفاوت هنوز درصد قابل توجهی از دانش‌آموختگان تمایلی به بازگشت به کشورشان را ندارند.

دانش‌آموختگان پس از بازگشت به کشورشان مورد ارزیابی علمی قرار می‌گیرند. عمدتاً این ارزشیابی همانند ایران، به صورت متمرکز و در سطح کشور صورت می‌گیرد ولی در بعضی کشورها همانند زیمباوه، عربستان و لیبی، مدرک اخذ شده، توسط دانشگاه‌های مورد خدمت مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

دانش‌آموختگان اکثر کشورهای مورد مطالعه متعهد هستند تا پس از بازگشت در دانشگاه و یا ارگانی که ایشان را بورس نموده‌اند کار کنند ولی در بعضی کشورها همانند اردن، سوریه و عربستان سعودی این قانون چندان محکم نیست.

بحث و نتیجه‌گیری

نگاه کلی به سیستم‌های بورسیه در کشورهای در حال توسعه: عوامل مختلف فرهنگی-اقتصادی و اجتماعی در شکل دادن سیستم‌های بورس کشورها دخالت دارند (۲۰۱۰، ۲). در بعضی کشورها مانند هندوستان این فرایند به صورت روشن‌تری تعریف شده‌است ولی در بعضی کشورها مانند تایلند و سوریه این فرایند به نظر ابهامات بیشتری دارد. حتی بر اساس دو مصاحبه با دانشجویان کلمبیا به نظر رسید سیستم بورسیه این کشور کاملاً نامشخص است، به شکلی که یکی از ایشان مدعی بود که

تفاوت‌های بارزی داشت. در بعضی کشورها همانند سوریه و زیمباوه، مانند ایران، دانشجویان قبل از اعزام موظف هستند تا با ودیعه گذاشتن یک ملک، متعهد به بازگشت به وطن شوند. در مقابل در اردن، تایلند، زیمباوه و لیبی مکانیزم تعریف شده و مشخصی برای مجبور نمودن دانشجویان به بازگشت وجود نداشت و عمدتاً تعهدی که دانشجویان این کشورها داشتند جنبه اخلاقی داشت.

در عربستان سعودی، دانشجویان اعزامی که در استخدام دولت نیستند برای بازگشت هیچ تعهدی ندارند. ولی آن دسته که قبل از اعزام در استخدام بوده‌اند در صورت عدم بازگشت شغل خود را از دست خواهند داد و در صورتی که با تاخیر باز گردند به مدت ۶ ماه از تاریخ بازگشت حق تقاضا برای کسب منصب و یا شغل دولتی را نخواهند داشت.

در مالزی تأکید قابل توجهی بر مکانیزم‌های تشویقی برای ترغیب دانشجو به بازگشت شده‌است و همچنین ارتقای سطح رفاه اجتماعی دانش‌آموختگان عامل مهمی است که دانشجویان را به بازگشت ترغیب می‌نماید.

خیریه آفاخان یکی از معتبرترین مؤسسات بورس دهنده در هندوستان است که سعی می‌کند تا حد امکان بورس مشترک دهد، یعنی این که دانشجو باید تلاش نماید تا قسمتی از هزینه تحصیل خود را از منابع دیگر تأمین نماید. همچنین افراد پذیرفته شده متعهد می‌شوند تا بعد از اتمام درس، قسمتی از وجوه دریافتی را به صورت قسطی طی ۵ سال مسترد نمایند. البته در صورتی که دانشجو بعد از دانش‌آموختگی برای مؤسسه آفاخان کار کند درصد قابل توجهی از بدهی وی بخشیده

تا یک سال بعد از اعزام نمی‌دانسته که چه میزان مقرری به او داده خواهد شد که به دلیل همین ابهامات، اطلاعات این دانشجو بررسی نشد.

نکته بسیار جالبی که در بسیاری از این مصاحبه‌ها با آن برخورد شد مسئله تبعیض و به زبان راحت‌تر پارتی‌بازی بود، به شکلی که یکی از دانشجویان از مصاحبه خودداری کرد چراکه معتقد بود تنها دانشجوی اعزامی آن کشور در لندن است که هیچ وابستگی خانوادگی با مسئولین تراز اول مملکت ندارد و بیان نمود که اگر مقامات آن کشور از این مصاحبه با خبر شوند امکان دارد بورس وی دچار مشکل شود. همچنین در بعضی کشورها اساساً خانم‌ها نمی‌توانند تقاضای بورس نمایند. ولی دانشجویان آن کشورها معتقد بودند که چندین نفر از دختران مقامات تراز اول مملکت در خارج مشغول به تحصیل هستند و مستقیماً از طرف دولت حمایت می‌شوند.

در کل، اکثر مصاحبه شوندگان از بورس خود راضی بودند و نگرانی چندانی در مورد اتمام تحصیل و برگشت نداشتند. البته این نگرانی در کشورهای عربی مورد مطالعه بسیار کمتر از سایر کشورها بود. همچنین از سیستم‌های حمایتی دولتی نیز راضی بودند و معتقد بودند که در مواقع اضطراری می‌توانند از حمایت آنها بهره‌مند شوند.

طول مدت تحصیل و به خصوص مدت تمدید نیز یکی دیگر از موضوعات مهم بود که در یک نگاه کلی، به‌نظر می‌رسد در مقایسه با سیستم ایران، دانشجویان راحت‌تر می‌توانند تقاضای تمدید نمایند.

تقریباً در همه مصاحبه‌های انجام شده، انگیزه مهم فرد بورسیه، گرفتن مدرک دکترا برای کسب موقعیت بالاتر شغلی بود و سایر اهداف اعزام به خارج همچون آشنایی

با سایر فرهنگ‌ها، شناخت سبک‌های علمی غالب در کشورهای دیگر و همچنین یافتن پاسخ سؤالات و مشکلات کشورها، در بین دانشجویان کشورهای در حال توسعه بسیار کم‌رنگ بود.

تفاوت بین بورسیه در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه: سیستم‌های بورسیه در این کشورهای توسعه‌یافته به صورت کاملاً غیرمتمرکز بوده و سهم بخش خصوصی و خیریه‌ها به صورت بسیار بارزی بیشتر از کشورهای در حال توسعه بود؛ به شکلی که در بعضی رشته‌ها مانند مخابرات و فارماکولوژی، این سهم به بیش از ۸۰٪ می‌رسد (۵،۱۰). به عنوان مثال در بریتانیا بیش از ۴۷ مرکز غیر دولتی یا نیمه دولتی وجود دارد که مشخصاً به افراد واجد شرایط، بورس می‌دهند. البته این مجزا از ادارات و سازمان‌هایی است که به صورت موردی و در راستای اهداف خود هر از چندگاهی افرادی را بورس می‌نمایند.

از تفاوت‌های بارز دیگر نحوه نگرش به مدرک دکترا و دلیل بورس می‌باشد. در کشورهای در حال توسعه همان‌گونه که شرح داده شد، اکثراً مدرک اهمیت دارد و فرد برای ارتقا رتبه شغلی و دانشگاهی اعزام می‌شود و انتظار است که بعد از برگشت به دلیل توانایی بیشتر علمی بتواند در موقعیت بالاتری خدمت کند، در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته هدف، پایان‌نامه است که اهمیت دارد و از فرد انتظار می‌رود تا در طول مدت تحصیل به یک سؤال و مشکل پاسخ گوید. به همین دلیل است که فرد بر اساس موضوع، گزینش می‌شود، بدین مفهوم که ابتدا سازمان‌های حمایت کننده موضوعات با اهمیت را بر اساس نیاز خود مطرح می‌کنند و افراد واجد شرایط بر اساس قابلیت‌هایشان در پاسخ به آن موضوع، ارزیابی، و بهترین‌ها گزینش می‌شوند. در این نگاه به

مقطع دکترا، فرد در زمان بورس به واقع تعهد کاری خود را سپری می‌کند و انتظاری از وی بعد از تحقیق وجود ندارد.

این تفاوت در نگاه به بورسیه و اعزام باعث می‌شود که بخش خصوصی نیز راحت‌تر بتواند در این زمینه نقش ایفا نماید. چراکه بخش خصوصی مسلماً به دنبال منافع اقتصادی خود است، به همین دلیل تنها زمانی حاضر به سرمایه‌گذاری است که بداند در دراز مدت منافعی تأمین خواهد شد. در این راستا تقریباً در بسیاری از رشته‌ها به صورت نهاده، شرکت‌ها سؤالات و مشکلات خود را به دانشگاه‌ها ارایه داده و با تأمین بار مالی پاسخ به این سؤالات، در پی یافتن بهترین پاسخ می‌باشند. دانشگاه‌ها نیز با ارایه بورس به دانشجویان، نیروی انسانی لازم را برای یافتن پاسخ‌ها تأمین می‌نمایند. این مورد حتی در زمینه هنر نیز خودنمایی می‌کند؛ به عنوان مثال شرکت ملی هواپیمایی بریتانیا برای تغییر آرم خود از یک دانشجوی دکترا کمک گرفته بوده است.

تعهد بعد از دانش‌آموختگی: در بین کشورهای در حال توسعه همواره فرار مغزها (brain drain) و یا عدم بازگشت دانش‌آموختگان به کشور یک مشکل عمده محسوب می‌شود. دانشجویان بورسیه بعد از اتمام تحصیل عمدتاً موقعیت شغلی مناسب‌تری برای کار در کشورهای توسعه‌یافته پیدا می‌کنند، لذا برای زندگی بهتر و یا برای استفاده بهتر از آموخته‌ها و مهارت‌ها ترجیح می‌دهند تا از بازگشت به کشورشان حداقل برای چند سالی صرف‌نظر کنند. این درحالی است که کشورهای اعزام کننده این دانشجویان با توجه به منابع مالی بسیار محدود خود، این افراد را اعزام نموده‌اند تا بعد از پایان تحصیل با بازگشت به کشورشان بتوانند در سطحی مطلوب‌تر، خدمت نمایند.

در کشورهای پیشرفته این موضوع کاملاً به شکلی متفاوت حل شده است. بدین معنی که کلاً دانشجو بعد از دانش‌آموختگی به سازمان بورس دهنده تعهدی ندارد و در واقع در طول تحصیل با انجام تحقیق و پاسخ به نیاز سیستم بورس دهنده، خدمت خود را ارایه می‌دهد.

در کشورهای در حال توسعه، از سه مکانیزم برای ترغیب دانشجو به بازگشت استفاده می‌شود که شرح مختصر هر یک در ذیل آورده شده است:

۱- تعهدات اخلاقی: در واقع دانشجو را از نظر اخلاقی به انجام تعهدات خود ترغیب می‌نمایند. این شیوه به خصوص در سیستم‌های دولتی هند و پاکستان به چشم می‌خورد. البته مسلم است که این روش در عین اهمیت و ارزش والایش، به تنهایی نمی‌تواند چندان مؤثر باشد.

۲- تشویق و فراهم آوردن امکانات رفاهی و علمی در کشور: در این روش سعی می‌شود کلیه عواملی که دانشجو را وادار به ماندن می‌نماید در در داخل کشور فراهم نماید. به عنوان مثال کشور مالزی و عربستان سعودی با ایجاد مراکز علمی و ارایه امکانات رفاهی مناسب سعی می‌نمایند تا دانشجویان را از ماندن منصرف نمایند که البته نتایج این روش نیز بسیار مؤثر بوده است. ولی توجه به این نکته حائز اهمیت است که مسلماً وضعیت رفاهی فرد به وضعیت رفاهی کل جامعه مرتبط است و بدون ارتقا کیفیت رفاهی و اقتصادی جامعه، امکان ایجاد تسهیلات مورد توقع مهیا نیست. با این وجود در بسیاری از موارد، عدم مدیریت صحیح باعث می‌شود که دانشجو این گونه برداشت نماید که بعد از بازگشت عملاً از آموخته‌های خود بهره نخواهد برد، لذا ترجیح می‌دهد تا در جایی زندگی نماید که آموخته‌هایش مفید واقع گردد.

۳- مکانیسم‌های تنبیهی از قبیل گرفتن وثیقه و یا پیگیری حقوقی: اگرچه به عنوان یکی از راه‌های اعمال فشار می‌تواند بسیار مفید واقع شود ولی بررسی‌ها نشان داده است که به تنهایی کارایی بالایی ندارد. چراکه دانشجوی بعد از تحصیلات، چنانچه موقعیت شغلی مناسبی بیابد می‌تواند طی مدت چند سال تعهدات خود را بپردازد، که در این صورت، فرد دیگر هیچ انگیزه و یا دلیلی برای بازگشت نخواهد داشت مگر آن که دلایل اخلاقی و روش‌های تشویقی او را به بازگشت ترغیب نمایند.

با توجه به این موارد به نظر می‌رسد که اولاً سیستم‌های بورسیه باید به سمت بها دادن به نتایج تحقیقات بروند تا مدرک کسب شده، همچنین از ترکیب هر سه مکانیسم استفاده نمایند تا دانشجویان بعد از دانش‌آموختگی با انگیزه قوی و با رضایت خاطر به کشورشان بازگردند نه از سر زور و فشار قانونی.

پیشنهاداتی برای ارتقای سیستم فعلی بورسیه کشور

بر اساس مطالب بیان شده در قسمت‌های قبلی بحث، به نظر می‌رسد که سیستم فعلی بورسیه در ایران با توجه به ساختار کشور، شباهت بسیار زیادی به سیستم بورسیه کشورهای در حال توسعه دارد. گریزی از این واقعیت

نیست که این ساختار بایست در مسیر تکامل و توسعه‌یافتگی کشور متحول شود و با شرایط جدید سازگار گردد و البته بایست اذعان نمود که در سال‌های اخیر، این تحولات شروع شده‌است که از آن جمله می‌توان به واگذاری اختیار بیشتر به دانشگاه‌ها، کاهش حجم دانشجویان بورسیه دراز مدت و تقویت سیستم بورس مشترک دانشگاه‌های داخل با دانشگاه‌های خارج اشاره نمود.

مسلماً نگاه دقیق به سیستم‌های کشورهای توسعه‌یافته و یا کشورهای در حال توسعه‌ای که از ایران جلوتر هستند می‌تواند ما را برای بهینه نمودن وضعیت فعلی و تنظیم برنامه راهبردی کمک نمایند. در این راستا شاید مهم‌ترین و اساسی‌ترین نیاز، توجه بیشتر دولت به اعزام دانشجو به خارج و افزایش بودجه این قسمت باشد. ولی بایست توجه داشت که شکل فعلی اعزام، به صورت متمرکز، توجه کم به نیازهای جامعه، رها نمودن علمی دانشجو در مدت تحصیل و ترغیب وی به مدرک‌گرایی نه علم‌گرایی، و عدم فعالیت سازمان‌های غیردولتی و بخش خصوصی آفاتی هستند که بایست با برنامه‌ریزی، آنها را زدود.

منابع

۱. حقدوست علی‌اکبر. بررسی وضعیت دانشجویان بورسیه ایرانی در بریتانیا از نظر مدت تحصیل و میزان مقرری دریافتی و مقایسه با سایر دانشجویان غیر ایرانی. لندن: نمایندگی علمی ایران در بریتانیا؛ ۱۳۸۳: ۱۱۲.
۲. فاضلی نعمت‌الله، شمس ناصر. حلقه‌های مفقوده در نظام مدیریت ارتباطات و مبادلات بین المللی علمی و دانشگاهی ایران و غرب. لندن: نمایندگی علمی ایران در بریتانیا؛ ۱۳۸۲.

3. Pathman DE, Taylor DH, Konrad TR, King TS, Harris T, Henderson TM, et al. State Scholarship, Loan Forgiveness, and Related Programs. JAMA 2000; 284(16): 2084-92

4. Lewis DR, Dunder H. Equity effects of higher education in developing countries. In: Chapman DW, Austin AE, editors. Higher education in the developing world: changing contexts and institutional responses (Greenwood studies in higher education). London: Greenwood Press. 2000: 265.
5. Harvey LJ, Myers MD. Scholarship and practice: the contribution of ethnographic research methods to bridging the gap. *Information Technology & People* 1995; 8(3): 13-27.
6. Byrne MW. Productive international faculty exchange: one Columbia University to Gothenburg University example. *Journal of Advanced Nursing* 1998; 27(6): 1296.
7. Reiter Y. Higher education and sociopolitical transformation in Jordan. *British Journal of Middle Eastern Studies* 2002; 29(2):137-64.
8. Banya K. Are private universities the solution to the higher education crisis in sub-Saharan Africa? *Higher Education Policy* 2001;14(2):161-74.
9. Hetsroni A. The Millionaire Project: A cross-cultural analysis of quiz shows from the United States, Russia, Poland, Norway, Finland, Israel, and Saudi Arabia. *Mass Communication & Society* 2004; 7(2):133-56.
10. Harman G. PhD student satisfaction with course experience and supervision in two Australian research-intensive universities. *Routledge* 2003; 21(3): 312-33.
11. Room G. Globalisation, social policy and international standard-setting: the case of higher education credentials. *International Journal of Social Welfare* 2000; 9(2):103.
12. Teichler U. Higher education policy and the world of work: changing conditions and challenges. *Higher Education Policy* 1999; 12(4): 285-312.